



بیمه وقفه در کار:

محاسبه «دوره استقرار مجدد» باید با توجه به چالش‌های پس از خسارت انجام شود

مترجم: علی سلطانی

- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی، دانشگاه تهران

مقدمه

می‌توانند خریدار بیمه باشند. بازیابی هم در پوشش وقفه در کار عمومی و هم در پوشش هزینه‌های اضافی، در قسمت‌های مرتبط، محدود به «دوره استقرار مجدد»^۳ است. (در حقیقت دوره وقفه در کار)^۴. اختلاف نظر در رابطه با مدت زمان دوره استقرار مجدد خصوصاً زمانی که خسارت این دوره قابل توجه باشد از داغ‌ترین مباحث بین بیمه‌گران و بیمه‌گذاران است.

اگر چه شرکت‌های بیمه انواع مختلفی از فرم‌های مخصوص شرکت‌های خاص را برای ثبت پوشش عدم‌النفع به کار می‌برند، اما بیشتر بیمه‌گران، بیمه‌نامه‌ها و الحاقیه‌های یکسانی را صادر می‌کنند که براساس فرم‌های مؤسسه خدمات بیمه‌ای^۵ تهیه شده است. فرم‌های «درآمد تجاری»^۶ (و هزینه‌های اضافی) راهنمای کلی را برای تعریف عبارت «دوره استقرار مجدد» فراهم می‌کند. در فرم‌های درآمد تجاری (و همین‌طور هزینه‌های اضافی) دوره استقرار مجدد در ارتباط با پوشش درآمد تجاری،

بیمه یکی از سرمایه‌های ارزشمندی است که می‌تواند از کسب و کارتان در برابر فجایع طبیعی و انسانی محافظت کند. در دهه گذشته فجایعی مانند سیل در آمریکای شمالی، طوفان‌های شدید در امتداد خلیج مکزیک، آتش‌سوزی جنگل‌ها در کالیفرنیا و همین‌طور حملات تروریستی، در مجموع میلیاردها دلار خسارت به اموال و کسب و کارها وارد کرده است. بیمه‌نامه‌ها می‌توانند نقش بسیار مهمی در کمک به بیمه‌شدگان در جهت بازیابی خسارات متحمل شده داشته باشند. بیمه‌گذاران تجاری نه فقط برای خسارات وارده به اموال، بلکه برای جبران خسارات مالی ناشی از توقف کسب و کار^۱ (در واقع ناتوانی در هدایت کسب و کار؛ چه به هیچ‌عنوان چه در همان سطح پیش از آن) و همچنین برای هزینه‌های اضافی^۲ که در نتیجه خسارت اموال به وجود آمده است

۱. به‌طور معمول پوشش «عدم‌نفع» مبلغی معادل درآمد ناخالص منهای هزینه‌های معمول به غیر «هزینه‌های» که ناشی از وقفه در کسب و کار بیمه‌گذار است (که این، به‌عنوان سود بیمه‌گذار شناخته می‌شود) پرداخت می‌کند. برای مثال همچنین پوشش احتمالاً زمانی مورد استفاده قرار خواهد گرفت، که تولید یک کارخانه اتومبیل‌سازی در نتیجه آتش‌سوزی در خط مونتاژ آن متوقف می‌شود. ۲. پوشش «هزینه‌های اضافی» معمولاً بیمه‌گذار را در برابر هزینه‌های اضافی عملیات کسب و کار که بیمه‌گذار در برابر آنها بیمه شده است تحت تأمین مالی قرار می‌دهد. یک مثال از این پوشش، خرید ژنراتور برای ادامه عملیات، به واسطه طوفان برقی است که مانع تأمین انرژی می‌شود.

3. Period of Restoration

۴. در بیمه‌نامه‌های وقفه در کار دوره توقف کسب و کار با عبارات مختلف تعریف می‌شوند، عباراتی مانند «دوره استقرار مجدد»، «دوره غرامت»، «دوره توقف» و «دوره بازیابی». ما در اینجا عبارت «دوره استقرار مجدد» را مورد استفاده قرار می‌دهیم.

5. Insurance Service Organization (ISO)

6. Business Income

۷۲ ساعت آغازین پس از وقوع خسارت فیزیکی تعریف شده و در پوشش مرتبط با هزینه‌های اضافی فوراً پس از وقوع حادثه تعریف شده است. این دوره زودتر از تاریخی که اموال در مکان توصیف شده باید با سرعت منطقی و کیفیت یکسان، تعمیر، بازسازی یا جایگزین شود یا در تاریخی که کسب و کار در یک مکان جدید دائمی شروع به ادامه فعالیت کند، پایان می‌پذیرد.^۱ فرم‌های پیشین ISO دوره استقرار مجدد را مدت زمان مورد نیاز معین می‌کند که در طول این مدت، قسمتی از اموالی که در این ارتباط به عنوان خسارت دیده یا از بین رفته توصیف شده‌اند، در نهایت دقت و سرعت بازسازی، تعمیر یا جایگزین شوند. به دلیل وجود «می‌باید» یا «می‌تواند»^۲ در متن بیمه‌نامه (تغییرات متفاوتی از همین موارد در بسیاری از بیمه‌نامه‌های وقفه در کار مشاهده می‌شود)، دوره استقرار مجدد می‌تواند به عنوان «دوره‌ای تئوریک» توصیف شود.

علاوه بر این، بسته به حقایق موجود در موارد خاص، طرح‌ریزی دوره تئوریک از بازسازی که به واسطه آن از رسیدن به منافع بیمه‌شده در بیمه‌نامه وقفه در کار، اطمینان حاصل کنیم، بسیار ضروری به نظر می‌رسد. برای مثال، احتمالاً برای بازسازی خسارت بیمه‌گذاری که اموال آسیب‌دیده خود را بازسازی یا جایگزین نکرده است، محاسبه تئوریک از دوره استقرار مجدد مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین برای بیمه‌گذاری که تلاش‌های بازسازی یا تعمیر اموال از دست‌رفته‌اش مشمول مرور زمان شده است، یک دوره تئوریک می‌تواند، این اطمینان را بدهد که پرداخت خسارت تسریع شود؛ در نهایت، در شرایطی که اگر چه بیمه‌گذار واقعاً کار بازسازی را انجام داده است (همانطور که در اکثر موارد اتفاق می‌افتد)،

۱. این گزینه‌های مختلف برای پایان دادن به دوره استقرار مجدد می‌تواند کاربردهای بسیار مهمی برای بیمه‌گذار داشته باشد. اما در جایی که بیمه‌گذار عملیات را در یک مکان موقت انجام می‌دهد این گزینه‌ها قابل اجرا نخواهد بود. این احتمال وجود دارد که پوشش هزینه‌های اضافی در جایی که بیمه‌گذار عملیات را ادامه می‌دهد - چه در یک مکان موقت، چه در یک مکان جایگزین - مورد استفاده قرار بگیرد.

2. "Should" or "Would"

بیمه‌گر با استفاده از دوره تئوریک، به دنبال آن است تا خسارت بیمه‌گذار را به واسطه عدم انجام به موقع و منطقی کار بازسازی یا جایگزینی از جانب بیمه‌گذار، کاهش دهد. خواه دوره تئوریک استقرار مجدد توسط بیمه‌گر یا بیمه‌گذار مورد حمایت قرار بگیرد یا خیر، به هر حال چالش‌هایی که بیمه‌گذار در شرایط دنیای واقعی با آن روبروست - مانند تأخیرهایی که در نتیجه فرایندهای محاسبه یا ساخت به وجود می‌آید - باید در محاسبه دوره استقرار مجدد، خواه با عنوان «تئوریک» و خواه با عنوان «واقعی»، مورد توجه قرار بگیرد.

- دوره فرضی بازسازی احتمالاً اجازه جبران خسارت را در زمانی که بیمه‌گذار اموال خسارت‌دیده را بازسازی یا جایگزین نکرده است، صادر می‌کند.

در جایی که بیمه‌گذار اموال زیان‌دیده را بازسازی یا جایگزین نکند، دوره تئوریک استقرار مجدد، وسیله‌ای برای مشخص کردن حدود زیان وارده خواهد بود. برای مثال، در مورد پرونده آنچور توی کرپ^۳ و بیمه آتش‌سوزی امریکن ایگل^۴، کارخانه بیمه‌گذار به طور کامل سوخت. هیچ تلاشی برای بازسازی صورت نگرفت؛ در عوض بیمه‌گذار در جستجوی خرید کارخانه دیگری برآمد اما طرح این خرید با شکست مواجه شد. بیمه‌نامه در این مورد، دوره استقرار مجدد را به این صورت تعریف کرده بود «مدت زمانی که مورد نیاز است تا با دقت و سرعت تمام، قسمتی از اموال ذکر شده در بالا که آسیب‌دیده یا از بین رفته است، بازسازی، تعمیر یا جایگزین شود». با توجه به متن بیمه‌نامه و حقایق موجود در این مورد، دادگاه دوره استقرار مجدد را در این مورد «کاملاً تئوریک» تشخیص داد. همچنین دادگاه، رأی را بر این صادر کرد که «البته این موضوع مانعی برای جبران خسارت نخواهد بود»، و مدت مناسب

3. Anchor Toy Crop
4. American Eagle Fire Insurance



ناشی از وقفه در کار خود را به دست آورد.^۱ این یک پشتیبانی بسیار مهم است، به این دلیل که پس از یک ضرر کلی، کسب و کارها احتمالاً با مشکلاتی در تأمین مالی، کناره‌گیری کارمندان، کاهش سهم بازار یا بقیه چالش‌هایی مواجه می‌شوند که در مسیر بازیابی سود مشکل ایجاد می‌کند. در هنگام مواجهه شدن با چنین چالش‌هایی، بیمه‌گذاران احتمالاً باید تصمیم‌گیری کنند که آیا برای آنها تعمیر یا بازسازی اموال آسیب‌دیده اقتصادی محسوب می‌شود یا در غیر این صورت فعالیتی غیر عملیاتی است. در چنین مواردی، دوره تئوریک استقرار مجدد، جبران خسارت را ممکن می‌کند. به هر حال، با در نظر گرفتن شرایط دنیای واقعی در هنگام محاسبه دوره تئوریک استقرار مجدد، این احتمال وجود دارد که بیمه‌گذار بتواند تمام مزایای تحت بیمه‌نامه را هم به دست آورد.

- دوره تئوریک بازیابی احتمالاً امکان جبران خسارت را در زمانی که بیمه‌گذار برای سرعت بخشیدن به جبران خسارت، خواستار استفاده از

۱. البته، بیمه‌گذار همچنین می‌تواند مشمول شرایط تخفیف بیمه‌نامه هم شود که معمولاً به این صورت است که اگر بیمه‌گذار با سرعت هر چه تمام‌تر عملیات را ادامه ندهد، بیمه‌گر باید بر اساس مدتی که به طول انجامیده است تا عملیات با سرعت هر چه تمام‌تر «انجام شود» به بیمه‌گذار پرداخت کند.

دوره استقرار مجدد زمانی است که به طول می‌انجامد تا کارخانه بیمه‌گذار در مکان قبلی خود بازسازی شود.^۱ بنابراین، در هنگام مشخص کردن دوره استقرار مجدد، دادگاه به در نظر گرفتن زمان اضافی برای پاسخ‌گویی به اقتضات دنیای واقعی رأی داد. اگر چه دادگاه بر آورد تعداد هفته‌های مورد نیاز برای بازسازی اموال خسارت دیده را با «تصویب کارشناسان در دادگاه» مشخص کرده بود، اما اقتضات دنیای واقعی را هم در نظر داشت، به این دلیل که «بارش برف در هنگام ساخت، لیز شدن سطوح کار و تحویل پنجره شیشه‌ای با سایز اشتباه» هم وجود دارد.

مورد آنچور توی کرپ نمونه‌ای از موضوعات مشخصی است که نشان می‌دهد حتی اگر صاحب اموال آن را بازسازی نکرد - همان‌طور که می‌تواند آن را بازسازی کند - این امکان وجود دارد که زیان

۱. همچنین نگاه کنید به پرونده Rogers vs Am Ins. (اعمال دوره تئوریک بازیابی در جایی که انتخاب بیمه‌گذار بعد از وارد آمدن خسارت به اموالش به واسطه آتش‌سوزی، عدم بازگشت به کسب و کار است) و در ادامه نگاه کنید به پرونده Retail Brand Alliance Ins vs Factory Mute Ins که در آن در حالی که رأی دادگاه مبتنی بر دوره تئوریک بازیابی است، دوره جبران خسارت می‌تواند تا زمانی که بیمه‌گذار «بتواند فروشگاه‌های منطقی متناسبی در محل‌های منطقی متناسب بسازد» ادامه پیدا کند، بنابراین حکم صادره یک دوره جبران خسارت هم‌ارز با دوره بازسازی واقعی در یک «مکان منطقی متناسب و در یک محل متناسب» است.



آن است، صادر می‌کند.

مورد نیاز است، این موضوع را در دفاتر ثبت مخصوص به آن برای پنج سال آینده باز نگه دارد و در نتیجه از کار گروه کارشناسی برای مشخص کردن مقدار کامل هزینه اسکان موقت^۳ جلوگیری کند. به جای آن دادگاه، به استفاده از دوره تئوریک استقرار مجدد رأی داد که اجازه می‌دهد تخمین صورت بگیرد و از آن چیزی که از نظر دادگاه به عنوان «غیر عملی» در نظر گرفته می‌شود، جلوگیری به عمل آید. اما مهم‌تر از آن، دادگاه رأی داد که مدت زمان واقعی دوره بازسازی مجدد، یک مسئله قانونی برای دادگاه محسوب نمی‌شود، و این در حالی است که تعیین تئوریک و صحیح این دوره پیش از ساخت، ایجاد کننده سؤال نحوه ارزش گذاری برای ارزیاب است. دادگاه علاوه بر آن بیان کرد که گروه کارشناسی می‌تواند «شرایط دنیای واقعی» را به عنوان قسمتی از تصمیم ارزش گذاری خود در نظر بگیرد، و اینکه دوره بازبایی نمی‌تواند در «خلأ محاسبه شود».^۴

اس آر اینترنشنال I موقعیت استثنایی را نشان می‌دهد

3. Full Rental Value Loss

۴. علاوه بر این SR international I متذکر شد که دوره واقعی و دوره تئوریک بازبایی در جایی که یک طرف، عملیات بازسازی را با سرعت منطقی و با کیفیت مشابه انجام می‌دهد، باید بر هم منطبق باشند. این عبارت با حکم متناسب با آن - که گروه کارشناسی می‌تواند تأخیرهای دنیای واقعی را در هنگام معین کردن دوره بازبایی در نظر بگیرد؛ حتی اگر در ظاهر کاملاً تئوریک باشد - در تطابق کامل است. به عبارت دیگر، دوره بازبایی چه تئوریک باشد و چه واقعی، می‌تواند با توجه به تأخیرها به درازا کشیده شود.

اس آر اینترنشنال I کاربردی جالب از قانونی است که بیان می‌دارد دوره واقعی استقرار مجدد در برابر دوره تئوریک استقرار مجدد در زمان انجام بازبایی، باید به عنوان استاندارد در نظر گرفته شود، اما به دلیل طولانی شدن مدت ساخت، این ضرورت وجود دارد که بیمه‌گذار برای تسریع در امر بازسازی از اعمال دوره تئوریک استقرار مجدد حمایت کند.^۲ در این مورد، بیمه‌گران مرکز تجارت جهانی به دنبال حکم قانونی بودند که در آن دوره استقرار مجدد به جهت مشخص کردن هزینه اسکان موقت، به طور کامل تئوریک باشد و بر همین اساس بتوان پیش از دوره واقعی ساخت مرکز تجارت جهانی، آن را مشخص کرد. زمانی که بیمه‌گران به دنبال حکم قانونی بودند مبنی بر اینکه دوره استقرار مجدد، تئوریک باشد، عملیات بازسازی در محل آغاز نشده بود و دادگاه از این مسئله حمایت کرد که بازسازی واقعی به پنج سال زمان دیگر نیاز دارد.

با توجه به این حقایق، دادگاه علاقمند بود اگر دوره

استقرار مجدد، مدت زمان واقعی باشد که برای ساخت

1. SR International I

۲. برای مرور مسائل پیش‌آمده در رابطه با دوره بازبایی در مطالبات مربوط به مرکز تجارت جهانی نگاه کنید به Marialuisa S. Gallozzi & Kimberly A. Strosnider, post -9/II,37



تئوریک استقرار مجدد حمایت می‌کند که چالش‌های دنیای واقعی در نظر گرفته شود.

بیمه‌گذاران معمولاً تحت فشار قابل ملاحظه‌ای هستند (از جمله از جانب خود بیمه‌گر) تا عملیات کاری خود را تا آنجا که امکان دارد سریع‌تر آغاز کنند. زمانی که منازعه‌ای بر سر طول مدت دوره استقرار مجدد به وجود می‌آید، بیمه‌گر ممکن است اعتقاد داشته باشد که بیمه‌گذار از چهارچوب زمانی غیر واقعی برای بازیابی خسارت استفاده کرده است. در زمان ارزش‌گذاری مسائل، دادگاه باید توجه مقتضی به چالش‌های دنیای واقعی - که بیمه‌گذار برای انجام تصمیم‌گیری و اجرای طرح‌های بازسازی یا جایگزین کردن اموال خسارت‌دیده با آن روبه‌روست - مبذول دارد.

در حقیقت، نظر مدیر ریسک بیمه‌گذار باید باعث ایجاد زمینه تمکین قابل ملاحظه‌ای به هیئت کارشناسی و دادگاه شود: «تمام آن چیزی که در نظر گرفته می‌شود این

که دادگاه با تفسیر کردن شرایط بیمه‌نامه در ایجاد یک دوره تئوریک استقرار مجدد، به نحوی که طول مدت زمان واقعی این دوره می‌تواند در سایه "شرایط دنیای واقعی" تنظیم شود، به شکل نسبی مطالبه بیمه‌گذار را پرداخت می‌کند.^۱ بنابراین نتایج این رأی - حداقل با در نظر داشتن تأخیرها و چالش‌های پس از خسارت - به نحو معناداری در مقایسه با زمانی که دادگاه، رأی بر واقعی بودن دوره استقرار مجدد می‌داد، متفاوت نبود. بنابراین اس آر اینترنشنال I در صدور مجوز، راه آنچور توی را برای در نظر داشتن تأخیرهای احتمالی و بقیه مشکلات سر راه بیمه‌گذاران در مسیر بازگشت به کسب و کار دنبال کرده است.

- زمانی بیمه‌گذار اموال خسارت‌دیده را بازسازی یا جایگزین می‌کند و بیمه‌گر از دوره

۱. با صدور این رأی، به این صورت که باید مرکز تجارت جهانی فرضی‌ای - همانند صبح روز ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ - بازسازی شود، تا بتوان چگونگی بازسازی آن را پیش‌بینی کرد، کمیته کارشناسی باید حقایق مرتبط با بعد از زمان وقوع خسارت را که بر روی طول دوره بازسازی تأثیر داشت، در نظر می‌گرفت.

داد، دادگاه تجدید نظر با «افزایش منطقی دوره (استقرار مجدد) در جایی که تأخیر در بازیابی خسارت، به واسطه اعمال شرکت بیمه بوده است» موافقت کرد. به طور مشابه در مورد پرونده شرکت بیمه آتش سوزی و بیمه دریایی یورکار - سیکوریتی^۷ و سایمون^۸، بیمه گذار دو بیمه نامه اموال و یک بیمه نامه وقفه در کار را خریداری کرده بود. در حالی که متصدیان حمل در بیمه عدم نفع مدارکی را ارائه می کردند که نشان می داد بیمه گذار می توانسته ظرف مدت ۶۰ روز با دقت و سرعت تمام کسب و کار خود را تعمیر کرده و آن را راه اندازی کند، بیمه گذار ادعا می کرد در کنار تمام دلایل دیگر، تأخیرهایی هم در نتیجه مذاکرات بین دو متصدی اموال خسارت دیده ایجاد شده است و او نمی تواند تا شش ماه پس از آتش سوزی به ادامه کار خود بپردازد. با تأیید قاعده دادرسی، دادگاه رأی داد که دادرسی به درستی مشخص کرده است که «تأخیر در مذاکرات مربوط به دو خسارت دیگر با شرکت رسیدگی کننده که نشان دهنده وجود دو شرکت بیمه دیگر (که شبیه به همان موارد مربوط به وقفه در کسب و کار است)، تأخیر منطقی محسوب می شود که باید توسط متصدیان حمل و نقل در هنگام صدور بیمه نامه شان در نظر گرفته می شد». استدلال دادگاه به طور کامل مربوط به تأخیر در بازگشت به کسب و کار است و «مربط با وقایعی است که خارج از کنترل بیمه گذار است».

تأخیرهای ناشی از ساخت می تواند دوره استقرار مجدد را گسترش دهد.

درست مانند بسیاری از کسب و کارها که تلاش می کنند تا اموال خسارت دیده ای را که در اختیار دارند بازیافت کنند، بازسازی هم به ندرت مطابق با برنامه پیش می رود و پوشش وقفه در کار می تواند کاهش دهنده ریسک های ذاتی موجود در فرایند ساخت باشد. بنابراین دادگاه ها معمولاً اقتضائات دنیای واقعی مانند تأخیرهای

است که این بیمه گذار، با منابع و توانایی کسب و کاری که در اختیار داشته است، بهترین کاری را که می توانسته انجام داده است». تأخیر در تلاش بیمه گر برای بازسازی، جایگزینی یا تعمیر اموال از دست رفته می تواند به عوامل متعددی نسبت داده شود. بنابراین احتمالاً محاسبه دوره تئوریک استقرار مجدد بسیار به مورد بستگی دارد. در این قسمت ما بر روی تأخیرهایی تمرکز می کنیم که در اثر مسائل برخاسته در فرایندهای ساخت و ارزیابی به وجود آمده باشند.

تأخیرهای ناشی از تطبیق می تواند مدت دوره استقرار مجدد را افزایش دهد.

احتمالاً یکی از دلایل تأخیر، خود بیمه گر است. محاکم قضایی در سرتاسر کشور رأی داده اند که دوره استقرار مجدد شامل زمان های اضافه مرتبط با تأخیرهایی می شود که توسط بیمه گر یا ارزیاب خسارت بیمه گر ایجاد شده است.^۱ پرونده های شرکت سهامی اوها پیپر^۲ و شرکت بیمه هاربر^۳ یک مورد آموزنده در این زمینه است. در این پرونده دادگاه تأخیر ایجاد شده در عملیات بازسازی را با در نظر گرفتن «مواردی که تحت کنترل مستقیم آنها بوده است» مرتبط با بیمه گر تشخیص داد و دوره تئوریک استقرار مجدد را طولانی تر کرد تا تأخیرهای واقعی که توسط بیمه گر و ارزیاب بیمه گر ایجاد شده بود در این دوره پوشش داده شود. دادگاه به طور صریح رأی داد که «در نتیجه اعمال (و عدم کنش های) بیمه گر و ارزیابش و باتوجه به مواردی که تحت کنترل مستقیم آنها قرار داشته است، نصب کامل، حداقل برای مدت صدویست و هشت روز به تأخیر می افتد».

پس از پرونده شرکت اوها پیپر باتوجه به آنچه در مورد بیمه همپتون فود^۵ و آتنا کزالتی اند سورتی^۶ رخ

1. Fact Specific

۲. به این معنا که مدت زمان رسیدگی باید در دوره استقرار مجدد محاسبه شود/ مترجم

3. Omaha Paper Stock Co.

4. Harbor Insurance Co.

5. Hampton Food Ins.

6. Aetna Casualty & Surety

7. Eureka-Security Fire & Marine Insurance Co.

8. Simon

منطقی» و «کیفیت یکسان» نباید به عنوان عدم‌همخوانی با مسئولیت حرفه‌ای در نظر گرفته شود. مسئولیت بر عهده بیمه‌گر است تا ثابت کند که بیمه‌گذار به طریق منطقی عملیات بازسازی را انجام نداده است. علاوه بر این، دادگاه‌ها به صورت هماهنگ طول دوره استقرار مجدد - چه «تئوریک» و چه «حقیقی» - را افزایش می‌دهند تا تأخیرها در پروسه‌های ساخت و تطبیق را لحاظ کنند. بستن چشم‌ها بر روی این واقعیات، در نظر نگرفتن قرارداد بیمه و عقل سلیم است.

منبع:

Long, M.G & Trotter, K.B 2010, "Business interruption insurance: Calculation of the period of restoration must be informed by post-loss challenges, *Property Insurance Law Committee Newsletter*.

مرتبط با ساخت را (که مدت زمانی که بیمه‌گذار نیاز دارد تا به کسب و کار بازگردد را طولانی می‌کند و تأخیرهایی خارج از کنترل بیمه‌گذار که طول دوره استقرار مجدد را افزایش خواهد داد) در نظر می‌گیرند. این تأخیرها ممکن است نتیجه عواملی مانند زمان مرتبط با فرایند مناقصه برای بازسازی، تعارضات میان مهندسين، تدابیر مهندسی، خدمات طراحی معماری و اقتضائاتی باشد که ساخت را به تأخیر می‌اندازد. در حقیقت تأخیرها تنها مختص به عدم‌نفع نیست، «آنها قسمتی از تجربه زندگی اکثر مردم هستند^۱». برای مثال در مورد شرکت بانک و صندوق تراست ملی آمریکا^۲ شرکت کژوالتی کانتینستال^۳، دادگاه تصمیم گرفت برای مشخص کردن اینکه بیمه‌گذار با سرعت و دقت عمل کرده است یا خیر؟ هیئت منصفه یک «ناهم‌خوانی نوعی را بین زمانی که در طول آن انجام عملیات ساخت برنامه‌ریزی شده است و زمانی که در حقیقت انجام می‌شود» در نظر داشته باشد. علاوه بر این، همان‌طور که در مبحث بالا درباره آنچور توی به آن اشاره کردیم، حتی در جایی که بیمه‌گذار گزینه عدم‌ساخت را انتخاب می‌کند و به واسطه آن دوره ساخت به‌طور کامل تئوریک خواهد بود، تأخیرهای معمول در دوره بازسازی در محاسبه این دوره مدنظر قرار می‌گیرد.

- نتیجه‌گیری

توصیف دوره استقرار مجدد به‌عنوان یک استاندارد «تئوریک» در میان پرونده‌ها و مفسرین رواج پیدا کرده است. به‌هر حال بیمه‌گران نمی‌توانند تصدیق کنند که محاسبه دوره استقرار مجدد توسط تأخیرهای ایجادشده به‌وسیله وقایع دنیای واقعی تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند. نص بیمه‌نامه تصریح می‌کند که «سرعت

۱. تأخیرها یک موضوع به‌خصوص در پروژه‌های پیچیده هستند، جایی که بسیاری از فعالیت‌های وابسته می‌توانند زمان مورد انتظار را برای تکمیل پروژه به تأخیر بیندازد. برای ارائه یک تحلیل کلی معمولاً از روش «مسیر بحرانی» در فرایند بازسازی استفاده می‌شود.

2. American National Bank & Trust Co.

3. Continental Casualty Co